



بررسی فقهی برد و باخت در مسابقات

پدیدآورنده (ها) : قاسمی، محمد علی

میان رشته ای :: نشریه رواق اندیشه :: دی ۱۳۸۲ - شماره ۲۵

صفحات : از ۸۸ تا ۱۰۱

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/24832>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۱۰/۱۴

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- احکام فقهی مسابقه ها از نظر آقا جمال و سید احمد خوانساری
- حکم شطرنج در نظرگاه شیخ انصاری
- نظریه مشروعیت سبق و رمایه در تسلیحات نظامی مدرن
- برساخت مفهوم اعتماد به همسر در فضای مجازی (مورد مطالعه: زنان ساکن شهر یزد)
- پژوهشی در «سیره ی متشرعه» شرایط حجیت و شبکه ی روابط مفهومی آن
- معرفی کتاب اهل البیت فی الکتاب والسنة
- بررسی فقهی و حقوقی ماهیت بیع در فضای مجازی
- تحلیل محتوای کیفی شبکه معنایی «قدرت»؛ تلاشی برای فهم الگوی «قدرت نرم» در قرآن کریم
- تاثیر فضای مجازی بر خشونت علیه زنان
- نقش ولایت پذیری اهل بیت علیهم السلام در امنیت فردی و تحلیل روان شناختی آن
- واکاوی انتساب نظریه صحت و لزوم بیع معاطاتی به شیخ مفید
- نظریه «قدرت نرم» در قرآن کریم؛ مطالعه تطبیقی گفتمان اسلامی و غرب

عناوین مشابه

- بررسی اثر برد و باخت و جهت گیری هدفی بر میزان عزت نفس در فوتبالیست های لیگ کشور
- بررسی اثر برد و باخت و جهت گیری هدفی بر میزان احساس خودکارآمدی در فوتبالیست های لیگ کشور
- بررسی تاریخی و فقهی حضور زن در مسجد در صدر اسلام
- بررسی فقهی شرط ایمنی از ضرر وعدم مفسده در وجوب امر به معروف و نهی از منکر از منظر امام خمینی(ره)
- بررسی مبانی فقهی و جنبه تنبیهی غضب در قانون مدنی افغانستان
- نقد و بررسی آرای کلامی - فقهی ابوعبدالله المهاجر در کتاب مسائل من فقه الجهاد
- بررسی فقهی رویکرد لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت (۱۳۹۹) به تجاوز زناشویی
- حوزه فقه نکاح: بررسی فقهی برابری زن و مرد در ازدواج
- بررسی فقهی و حقوقی ماهیت بیع در فضای مجازی
- بررسی فقهی و حقوقی جایگاه شهادت در امکان یا عدم آن در توکیل پذیری

بررسی فقهی برد و باخت در مسابقات

محمدعلی قاسمی*

چکیده

آنچه فراروی شماسه پژوهشی کوتاه در زمینه «برد و باخت در مسابقات» از دیدگاه فقه اسلامی است، چه این که فقه به عنوان یکی از مهمترین محورهای پاسخگویی به تمام پرسشهای انسان، در همه زمانهاست. به دنبال گسترش مسابقات در عصر حاضر، پرسشهای فراوانی در باره جواز و عدم جواز، همچنین جایزه‌های آنها، برای متدینین مطرح است. در این میان، برخی از ورزشها همانند اسب سواری، شتر دوانی و تیراندازی به تصریح اولیای دین، مورد امضای شریعت قرار گرفته است و گروگذاری و شرطبندی در آنها بدون اشکال است.

رواق اندیشه ۲۵



بررسی فقهی برد و باخت
در مسابقات

با استمداد از سیره و روایات می‌توان سایر ورزشها را جایز دانست و هدایا و پاداشهای آنها را نیز به عنوان وفای به عهد یا نذر، قسم و... دریافت کرد. پس بدون شک در جوایزی که شرط الزام آور در آنها وجود ندارد یا از سوی نهادهای دولتی و بین‌المللی پرداخت می‌شود، هیچ اشکالی وجود ندارد.

مقدمه

از گذشته‌های دور، مسابقات، بخشی از زندگی و عمر انسانها را پر کرده است. برخی برای آمادگی رزمی و عده‌ای به انگیزه سرگرمی و پر کردن خلأ هیجانهای خویش یا وقت‌گذرانی و شماری هم برای برد و باخت و سودهای مادی و اقتصادی، در مسابقه‌های گوناگون شرکت می‌کردند.

* - کارشناس ارشد فلسفه، محقق و نویسنده.

در سیر همراه با فراز و نشیب تمدن بشری، این مسابقه‌ها روز به روز گسترده‌تر و فراگیرتر شده تا آنجا که در زمان حاضر، دامنه آن، گسترش شگفت‌انگیز و تنوع خیره‌کننده‌ای یافته است، به گونه‌ای که می‌توان گفت بیشتر هنگامه‌های بیکاری و آسودگی مردمان و طیف وسیعی از نگرانی‌ها، دغدغه‌ها، و دل مشغولی‌های جوانان و نوجوانان به آن اختصاص یافته است.

در زمینه مسابقات، افزون بر مسائل و اهداف ورزشی، سیاسی و فرهنگی، بحث‌ها و گفتگوهای مهم دیگری از دیدگاه فقه و شریعت مطرح است.

پرسشهای فقهی فراوانی در زمینه مسابقات مطرح است که باید پاسخ قابل اطمینانی از سوی فقیهان ارائه شود. پاره‌ای از این پرسشها در مشروع بودن و نبودن برخی از مسابقه‌ها مانند، اتومبیل‌رانی، موتورسواری، دیوار مرگ، بوکس و... می‌باشد.

پرسش دیگر این است که با توجه به آنچه شریعت اسلامی به عنوان مسابقه و شرطبندی و برد و باخت، پذیرفته است، آیا می‌توان با ملاکیابی، مواردی را به آنها افزود؟

آیا می‌توان گفت که نمونه‌های بیان شده در روایات، مربوط به زمان صدور روایات است (و تنها به عنوان نمونه از آنها نام برده شده است) تا بتوان در این زمان، در مسابقه با سلاحهای جدید و پیشرفته که برای دفاع و رزم از آنها استفاده می‌شود، شرطبندی نمود؟

آیا ورزشهایی همچون دو، کشتی، فوتبال، والیبال، قایقرانی، کاراته و... جایزند یا ناروا؟ و اگر مشروع هستند، آیا از دیدگاه شرع و فقه می‌توان در این موارد نیز مانند اسب‌دوانی و تیراندازی، برد و باخت کرد؟

سؤال دیگر این است که آیا انگیزه‌های ورزشکاران و بازیکنان در مشروعیت و عدم مشروعیت مسابقات، تأثیرگذار است؟

آیا راه حلی برای شرطبندی و گروگذار، برد و باخت در این‌گونه مسابقه‌ها وجود دارد؟ و در صورت تعیین جایزه از سوی نهادها، باشگاهها و سازمانهای دولتی، حکم آن چیست؟ اگر افرادی که به عنوان بازیکن در مسابقات شرکت می‌کنند، مقداری پول پرداخت نمایند تا در پایان به گروههای پیروز پرداخت شود، این عمل در فقه چه حکمی دارد؟

با توجه به گستردگی پرسشهای فوق و اهمیت و نفوذ مسابقات در زندگی انسان و تأثیرگذاری آن در اجتماع، فقه پژوهان باید با موضوع‌شناسی و ژرف اندیشی، نظر شریعت و فقه را از منابع اسلامی بجویند و وظیفه شرع‌مداران را مشخص نمایند.

در این پژوهش برآنیم تا با بهره‌گیری از مبانی فقهی گذشتگان، احکام مسابقه‌های امروزی را نیز تعیین نماییم.

مفهوم و تعریف مسابقه

«سبق» به معنای پیشی گرفتن بر یکدیگر در دویدن، تاختن، جنگیدن و... است.^۱

با بررسی در لغت پی می‌بریم که به گونه‌ای در این واژه، مفهوم رقابت، پیشتازی و پیش‌آهنگی نهفته است، که در برابر آن «لحوق» به معنای پیوستن قرار دارد. در زمینه‌های مختلف علمی، فکری، ورزشی و... آن بازیکنی که جلو می‌افتد و زودتر از دیگران به مقصد از پیش تعیین شده می‌رسد و بر رقیب پیروز می‌شود سابق و پیشتاز گفته می‌شود که در فارسی می‌گویند: گوی سبقت را از دیگران ربود.

این واژه در قرآن کریم و احادیث، دارای کاربردهای گوناگونی است:

در قرآن، آنجا که برادران یوسف در بیان چگونگی کار خویش، می‌گویند:

«إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا»^۲

یعنی: گفتند ای پدر ما به مسابقه رفته بودیم و یوسف را پیش کالای خود گذاشته بودیم.

در جریان یوسف و زلیخا چنین می‌خوانیم: «و استبقا الباب»^۳ یعنی: هر دو (یوسف و زلیخا) به طرف در دویدند. و در بیان صراط در روز قیامت این گونه می‌فرماید: «فاستبقوا الصراط»^۴ یعنی: پس شتابان آهنگ صراط می‌کنند.

ابن منظور در «لسان العرب» می‌گوید: «استباق» پیشی گرفتن، در قرآن به سه معنا به کار رفته است: یکی، تیراندازی که در آیه نخست، از زبان فرزندان یعقوب چنین نقل کرده است و دیگری پیش‌افتادن در هدف که از دومین آیه مورد اشاره، در جریان یوسف و زلیخا به دست می‌آید و معنای سوم، عبور کردن و گذشتن است که از سومین آیه استفاده می‌شود. همانگونه که می‌بینید در معنای اول و دوم، مفهوم «مسابقه» و سبقت نهفته است.

این واژه، در روایات معصومین علیهم‌السلام نیز دارای چنین بار مفهومی است.

مفهوم سبق، در اثر کاربرد فراوان مباحث فقهی، «حقیقت» در عقد ویژه‌ای شده است که دارای

۱ - محمد معین، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۰ ق، ماده سَبَق.

۲ - یوسف / ۱۷.

۳ - یوسف / ۲۵.

۴ - یس / ۶۶.

دو رکن و انشای به هم پیوسته (ایجاب و قبول) است. در کاربرد فقیهان، سبق به تملیکی گفته شده است که در برابر کار و عمل قرار می‌گیرد. به همین جهت، در فقه بحث ویژه‌ای با عنوان «سبق و رمایه» در شمار دیگر مباحث قرار گرفته است. در این عهده چهار نکته باید رعایت شود:

(الف) مسابقه دهندگان باید عاقل و بالغ باشند.
(ب) ابزاری که برای مسابقه استفاده می‌شود از ابزاری باشد که در فقه مورد تأیید قرار گرفته است.
(ج) در مسابقه‌های جایز، آنچه که به عنوان پاداش به طرف مقابل پرداخت می‌شود، ویژگی خاصی ندارد بلکه می‌تواند کالای موجود در خارج و به صورت نقد یا نسیه باشد.
(د) می‌توان جایزه برندگان را از بیت المال پرداخت کرد، یا از سوی پیشوا و رهبر مسلمانان یا سازمانها و اشخاص دیگر غیر از مسابقه دهندگان اهدا گردد.

در این مسأله که آیا مسابقه دهندگان نیز می‌توانند به یکدیگر جایزه دهند گفتگو و اختلاف است اگر چه نظر مشهور و معروف فقیهان شیعه جواز آن است.^۱

اقسام مسابقات

در یک نگاه کلی و برای تفکیک در احکام مسابقه‌ها، می‌توان آنها را به چهار بخش تقسیم کرد:

۱- مسابقه با وسائل ویژه قمار همراه برد و باخت، که حرمت آن یقینی و مورد پذیرش همه فقیهان است.

۲- مسابقه با وسائل ویژه قمار ولی بدون برد و باخت، که به دلیل روایات رسیده از امامان معصوم علیهم‌السلام این عمل هم حرام و نارواست، اگر چه برخی همانند شیخ انصاری و مرحوم خوانساری در حرمت آن تشکیک کرده‌اند.

۳- مسابقه با وسائل غیر قمار همراه برد و باخت؛

۴- مسابقه با وسائل غیر قمار بدون برد و باخت.

به دلیل روشن بودن حرمت در دو بخش اول، به بحث از دو مورد اخیر می‌پردازیم:

مسابقه با غیر وسائل قمار

در رویکرد دیگری، مسابقه با وسائل غیر قمار، به دو بخش تقسیم می‌شود:

(الف) آنچه که در شریعت اسلام، دلیل خاصی بر آن رسیده است و گروندی و برد و باخت در آن جایز شمرده شده است.

ب) آنچه که در شریعت، سخن ویژه‌ای در باره آن گفته نشده است که یا همراه برد و باخت صورت می‌گیرد و یا همراه برد و باخت نیست.

مسابقه‌های مشروع در راستای تواناسازی

دین مبین اسلام نه تنها از مسابقه‌هایی که در راستای نیرومندسازی بنیه نظامی و دفاعی مسلمانان صورت می‌پذیرد و آمادگی رزمی آنان را بالا می‌برد، جلوگیری نمی‌کند، بلکه آنها را مورد تأکید و سفارش قرار می‌دهد. قرآن کریم به عنوان یک اصل کلی و فرازمانی، به مسلمانان چنین دستور می‌دهد:

«وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ

مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...»^۱

یعنی: و تا آنجا که می‌توانید نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا دشمنان خدا و دشمنان خود را و آنها که شما نمی‌شناسید اما خدا می‌شناسد، بترسانید.

پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در بیان مقصود از این آیه، چنین می‌فرماید:

«فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ (وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ) قَالَ: الرَّمْيُ.»

یعنی: مقصود از نیرومندی و توانایی در آیه، آمادگی در تیراندازی است.^۲

اسب سواری، شتر دوانی و تیراندازی

با توجه به اهمیت دفاع از مرز و بوم ممالک اسلامی و آمادگی دفاعی مسلمانان، در اسلام، افزون بر مشروعیت برخی مسابقه‌ها که شرط‌بندی و گروگذاری در آنها روا شمرده شده است و به خاطر این فایده مهم، از دایره لهو و لعب ممنوع در شریعت، بیرون است بلکه پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به آنها امر فرموده‌اند.

دلیل این حکم که اکنون فقهای شیعه و سنی آن را پذیرفته‌اند، روایتی است که اهل سنت از حضرت رسول صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ^۳ و شیعیان از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام^۴ نقل کرده‌اند: «لَا سَبَقَ إِلَّا فِي نَصْلِ أَوْ خَفِ أَوْ حَافِرٍ.»

۱- انفال / ۶۰

۲- محمد بن حسن حرّ عاملی، وسائل الشیعه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ق، ج ۱۳، ص ۳۴۸.

۳- احمد بن محمد بن حنبل، مسند، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۴۷۴؛ ابو داود از دی، سنن، دار ابن حزم، بیروت، ۱۴۱۸ق، ج ۳، ص ۲۹؛ ابن ماجه، سنن، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۵ق، ج ۲، ص ۹۶۰؛ احمد بن شعیب نسائی، سنن، دار الجلیل، بیروت، ج ۶ ص ۲۲۶.

۴- محمد بن حسن حرّ عاملی، پیشین، حدیث ۱؛ محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳، ج ۵، ص ۵۰؛ عبد الواحد آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه و شرح آقا جمال خوانساری، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۳۳.

یعنی: هیچ مسابقه‌ای روا نیست جز در تیراندازی، شتردوانی و اسب سواری. ملاحظه می‌شود که سه عنوان در این حدیث و نظایر آن وجود دارد که هر آنچه دایره مفهومی آنها را شامل شود مسابقه نامیده شده و به استناد روایات دیگر، شرط‌بندی در آنها جایز است: ۱- عنوان نصل ۲- عنوان خف ۳- عنوان حافر.

در لسان العرب آمده است: «فَالْخَفُّ: الْإِبِلُ هُنَا وَالْحَافِرُ: الْخَيْلُ وَالنَّصْلُ: السَّهْمُ الَّذِي يَرْمِي بِهِ.»^۱
یعنی: خف شتر، و حافر اسب و نصل تیری است که با آن تیراندازی می‌شود. شهید ثانی می‌گوید:
سهم شامل مسابقه در تیراندازی، سرنیزه و شمشیر می‌شود، همانگونه که خف، شتر و فیل دوانی را در بر می‌گیرد و حافر، اسب و الاغ و قاطر سواری را در مفهوم خود دارد.^۲

بنابراین، به دلالت روشن این حدیث و بسیاری از احادیث دیگر، چنین مسابقه‌هایی جایز بلکه مورد دستور و سفارش است.

و در روایت دیگر آمده است که گروه‌گذاری در برخی مسابقات جایز است:

«إِنَّ الْمَلَانِكَةَ لَتَنْفِرُ عِنْدَ الرَّهَانِ وَ تَلْعَنُ بِصَاحِبِهِ مَا خَلَا الْحَافِرَ وَ الْخَفَّ وَ الرَّيْشَ وَ النَّصْلَ.»^۳
یعنی: فرشتگان در مسابقه‌های همراه با برد و باخت، حضور نمی‌یابند و لعنت خویش را بر بازیکنان آن می‌فرستند، مگر اسب سواری، شتردوانی، کبوتربازی و تیراندازی.

صاحب «حدائق» از جمله فقیهانی است که مسابقه‌ها را منحصر در این سه مورد ندانسته و مسابقه و گرویندی با پرندگان و کبوتران را نیز روا شمرده است. وی بر این باور است که عنوان قمار و لهُو و لعب بر این بازیها، صدق نمی‌کند و برای اثبات نظر خویش روایات فراوانی را گواه می‌گیرد.^۴

به نظر نگارنده، برد و باخت تنها در سه عنوان یاد شده جایز است و نمی‌توان گفت که شرط‌بندی و برد و باخت، در دیگر مسابقه‌ها نیز جایز است؛ زیرا توانمندی و آمادگی برای رزم «حکمت» است و نه علت حکم و در نظر صحیح با سرایت دادن حکمت، نمی‌توان حکم حلیت رهن را برای دیگر مسابقات ثابت کرد؛ چه این که پیامبر ﷺ و امامان معصومین علیهم السلام توجه داشته‌اند که مثلاً آمادگی بدن و بدن‌سازی، تأثیر بسزایی در مبارزات و جنگها دارد ولی هیچ سخنی در جهت حلیت

۱- ابن منظور، لسان العرب، دار صادر، بیروت، ۱۹۹۵م، ج ۲، ص ۲۸۶.

۲- زین الدین جبعی العاملی، مسالک الافهام، مکتبه بصیرتی، قم، ۱۴۱۳ق، ج ۶، صص ۸۶-۸۵.

۳- محمد بن حسن حر عاملی، پیشین، ص ۲۴۸.

۴- یوسف بحرانی، الحدائق الناظرة، دار الکتب الاسلامیه، نجف اشرف، ۱۳۷۷ق، ج ۲۲، ص ۳۶۲.

این امر بیان نکرده‌اند. بنابراین، نمی‌توان این حکم را به دیگر ورزشها (حتی اگر در جنگ مورد استفاده باشد) مثل اتومبیلرانی سرایت داد.

مسابقات ورزشی و سرگرمی

پرسش مهم این است که مسابقه‌هایی همچون کشتی، وزنه برداری، دومیدانی و بسیاری از بازیهای دیگر که در زمانهای پیشین وجود نداشته است ولی امروزه در سراسر جهان (حتی جوامع اسلامی) رواج دارد و هواداران بسیاری را جلب کرده و هزینه‌های گزافی را به خود اختصاص داده است، چه حکمی در شریعت و مبانی فقهی برای آنها ثابت می‌شود و اگر مشروع است، حکم پاداشها و جوایز برندگان آنها چیست؟

دیدگاه اندیشمندان فقه

۱- نقل شهید ثانی

وی در بررسی حدیث «لا سبق الا فی خف او حافر او نصل» می‌گوید:

«و ربما رواه بعضهم بسكون الباء و هو المصدر: ای لا يقع هذا الفعل الا فی الثلاثة، فيكون ما عداها غير جائز، و من ثم اختلف في المسابقة بنحو الأقدام و رمى الحجر و رفعه و المصارعة و بالآلات التي تشمل على نصل بغير عوض هل يجوز ام لا؟ فعلى رواية الفتح يجوز و على السكون لا و في الجواز مع شهرة رواية بين المحدثين، موافقة الأصل، خصوصاً مع ترتب غرض صحيح على تلك الأعمال.»^۱

یعنی: و چه بسا برخی آن (سبق) را به سکون باء به عنوان مصدر قرائت کرده‌اند؛ یعنی این عمل تنها در سه مورد صحیح است و غیر آن جایز نیست. از این رو در مسابقات به صورت؛ دویدن، پرتاب سنگ و برداشتن آن و کشتی گرفتن و با وسایلی که مشتمل بر تیر است ولی بدون عوض است، اختلاف نظر رخ داده است، پس بر اساس روایت فتحه «سبق» جایز و بر اساس روایت سکون جایز نیست. قول به جواز، علاوه بر شهرت روایی آن، موافق اصل نیز هست بویژه زمانی که هدف مقصودی درست بر این اعمال مترتب گردد.

۲- دیدگاه صاحب ریاض

در مقابل نظر شهید ثانی و بسیاری دیگر از فقیهان، برخی نظری متفاوت در این زمینه به تصویر کشیده‌اند. مرحوم سید علی طباطبایی در کتاب ریاض المسائل می‌نویسد:

«و لكن الاشهر خلافه... فالمنع اظهر، لحجّية الاجماع المنقول، سيما مع التعدد و الاعتضاد بالشهرة و بما دل على حرمة اللهو و اللعب لكون المسابقة في المذكورات منهما بلا تأمل و خصوص ما مرّ من المعتبرة المنجبر قصور سندها بالشهرة بل و عمل الكل و لو في الجملة، الدالة على تنفر الملائكة عند الرهان و لعنها صاحبه ما خلا الثلاثة، مع تصريح الرواية السابقة بأن ما عداها قمار محرّم.»^۱

یعنی: سخن مشهورتر آن است که بازی و مسابقه، به جز در موارد سه گانه حتی بدون برد و باخت، جایز نیست، به دلیل اجماع که پشتوانه شهرت است و نیز دلیلهایی که هرگونه لهو و لعب را حرام می‌دانند و حدیث معتبری که سستی سند آن با شهرت قابل جبران است و بالاتر از همه، عمل بسیاری از اصحاب به این روایت است که می‌گوید: فرشتگان از جایی که برد و باخت در آنجاست می‌گریزند و بر آنان نفرین و لعنت می‌فرستند، پس جز موارد یاد شده قمار به شمار می‌رود.

نقد سخن صاحب ریاض

آنچه مشهور میان فقیهان شریعت است، جواز مسابقه در موارد سه گانه می‌باشد اما این که عدم جواز در غیر این موارد دارای شهرت بیشتری است، دلیل معتبری برای آن در کتابهای فقهی یافت نمی‌شود.

افزون بر این که اجماع منقول نزد بیشتر فقیهان بویژه متأخرین، قابل اعتماد نیست.^۲ همانگونه که شیخ انصاری با اشاره به دلیلهای عدم اعتبار اجماع منقول می‌فرماید:

«وجب التوقف فی العمل بنقل الاجماع.» یعنی: توقف در عملی که به اجماع منقول ثابت می‌شود، واجب است.^۳

از سوی دیگر، بسیاری از این مسابقه‌ها دارای اهداف خردمندانه و عاقلانه است که آنها را از تحت عنوان بیهودگی و سرگرمی بی‌فایده خارج می‌کند و پاره‌ای از فقها به این نکته اشاره کرده‌اند. محقق ثانی می‌گوید:

«و لا تعدّ فی نفسها لهواً و لعباً.» یعنی: این موارد به خودی خود لهو و لعب به حساب نمی‌آیند.^۴

۱- سید علی طباطبایی، ریاض المسائل، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹ق، ج ۹، ص ۴۰۸.

۲- محمدرضا مظفر، اصول الفقه، انتشارات المعارف الاسلامیه، قم، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۱۱۶.

۳- مرتضی انصاری، فرائد الاصول (الرسائل)، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۳۵.

۴- علی بن الحسین الکرکی، جامع المقاصد، مؤسسة آل البيت، قم، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۳۲۷.

چه بسا اینگونه احادیث، تنها شامل صورتی شود که در آن، مسابقه همراه عوض و گرو صورت پذیرد و روش متشرعان در مسابقه‌هایی همچون دویدن، خوش‌نویسی، قرآن و... گفتار صاحب ریاض راه، به روشنی نقض می‌نماید.

بر اساس نکته‌های بیان شده در سخنان صاحب ریاض، دیدگاه وی (حرمت هر گونه مسابقه‌ای در غیر از موارد سه گانه، هر چند بدون عوض و برد و باخت) قابل پذیرش فقهی نخواهد بود.

کاوش در حکم مسابقات

باید دانست که اختلاف نظر در مسائل علمی امری اجتناب‌ناپذیر است اما به نظر می‌رسد که اگر این مسابقه‌ها بدون هیچ عوضی صورت پذیرد، جایز است؛ زیرا دلیلی بر حرمت آنها وجود ندارد چه این که اولاً؛ عنوان قمار بر آنها صدق نمی‌کند تا مشمول آیات و روایات نهی کننده از قمار و میسر گردد؛ یعنی در عرف انسانها و اهل لغت، به دو نفر که با یکدیگر کشتی می‌گیرند یا مسابقه فوتبال می‌دهند، قمارباز گفته نمی‌شود.

ثانیاً؛ در افعال انسان هرچند بی‌فایده بنماید، اصل اولی حلال بودن آنهاست، مگر این که از سوی شریعت، دلیل قاطع و محکمی برخلاف این قانون کلی اقامه شود؛ زیرا با شک در حرمت، چنین استدلال می‌کنیم که قبل از آمدن شریعت و یا ابتدای شریعت حلال بوده‌اند، پس اکنون هم همان حکم را مترتب کرده و حکم به حلال بودن آنها می‌نماییم.

ثالثاً؛ در بیشتر جوامع انسانی، مسابقه امری اجتناب‌ناپذیر است و در همه زمانها و مکانها، عالمان و غیر آنان در مسابقه‌های علمی یا ورزشی و مانند آن شرکت می‌کردند. این سیره در زمان معصومین علیهم‌السلام نیز جریان داشته است و نهی و منعی از سوی آنان متوجه چنین مسابقه‌هایی نشده است، در حالی که اگر این گونه مسابقات، حرام بود، امامان که بیانگر احکام شریعت هستند باید آن را بیان می‌کردند. بنابراین، این سیره مورد رضایت ایشان است و لااقل حرمت شرعی ندارد.

رابعاً؛ روایاتی در زمینه مسابقه میان امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام رسیده است که برخی از آنها در باره کشتی گرفتن آن دو بزرگوار و بعضی درباره مسابقه خوشنویسی بین آنان و پارهای در زمینه مسابقه ایشان در جمع کردن دانه‌های گردنبند حضرت زهرا علیها‌السلام است.^۱

۱ - حسین نوری، مستدرک الوسائل، المكتبة الاسلامية، تهران، ۱۳۸۲ق، ج ۱۴، ص ۸۱، حدیث ۴؛ محمد حسن نجفی، پیشین، ص ۲۲۱.

علاوه بر این، آنچه که اهل سنت در مسابقه پیامبر ﷺ با عایشه نقل کرده‌اند،^۱ اگر مورد پذیرش قرار بگیرد، دلیل بر آن است که هرگاه این‌گونه مسابقات، بدون برد و باخت صورت پذیرد حرام نخواهد بود.

با ژرف نگری در دلایلی که برای حلیت این مسابقات بیان شد، نتیجه می‌گیریم که همه مسابقات امروزی که برد و باخت با غیر وسائل ویژه قمار صورت گیرد، حرام نخواهد بود. افزون بر این که در عصر حاضر، بر بسیاری از این مسابقه‌ها فوایدی مترتب می‌شود که مورد توجه عقل و مورد پسند عاقلان است.

جوایز و پادشاهی مسابقات

در راستای تحقیق و موضوع‌یابی هرچه بیشتر این‌گونه مسابقات و پادشاه‌ها، آنها را به چند گروه تقسیم و حکم استنباطی آنها را در دو صورت بیان می‌کنیم.

صورت اول:

این مسابقه‌ها که بدون وسائل قمار صورت می‌گیرد، اینگونه انجام پذیرد که از ابتدا دو طرف بازی یا بازیکنان مقداری پول یا کالا را گرو بگذارند و قرارداد نمایند که این پاداش برنده مسابقه است، این عمل به چند دلیل دارای حرمت تکلیفی (حرام بودن چنین قراردادی) و حرمت وضعی (حرام بودن تصرف در مال گرو گذاشته شده و ضمان آور بودن آن) است.

دلیل اول: اجماع

گویا بیشتر اندیشمندان فقه چنین مسابقه‌ای را حرام می‌دانند و ادعای عدم اختلاف و اجماع کرده‌اند. البته شاید گفته شود که این اجماع ممکن است مستند به مدرک و احادیث باشد. بنابراین، به خود این اجماع نمی‌توان اعتماد کرد بلکه باید مدرک آن را مورد بررسی و کاوش قرار داد.

دلیل دوم: صدق عنوان قمار

در لغت «قمار» به دو گونه تعریف شده است که در یک معنای آن، قمار به گروگذاردن چیزی و تلاش برای بردن آن می‌باشد، اگر چه وسائل ویژه قمار در آن وجود نداشته باشد.^۲ بر این اساس عنوان قمار بر این‌گونه موارد نیز صادق است و تمام آیات و روایاتی که از قمار و میسر نهی می‌کند، آن را در بر می‌گیرد.

۱ - عبد الله بن احمد بن قدامة، المغنی، دار الکتب العلمیة، بیروت، ج ۱۱، ص ۱۲۷.

۲ - فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، مؤسسة البعثة، تهران، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۶۳؛ علی اکبر دهخدا، لغت نامه، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج ۳۱، ص ۴۶۶؛ ابن منظور، پیشین، ج ۵، ص ۱۱۵.

ما این دیدگاه را نمی‌پذیریم؛ زیرا با مراجعه به عرف در می‌یابیم وقتی مثلاً مسابقه قرائت قرآنی برگزار می‌شود اگر چه همراه گروگذاری باشد عنوان قمار بر آن منطبق نمی‌شود و در این زمره جای می‌گیرد؛ مسابقه خوش نویسی، دو میدانی و غیره...^۱

دلیل سوم: روایات

در کتابهای روایی، احادیث بسیاری را می‌یابیم که از مجموع آنها (که به دلیل فراوانی، از ضعف سندشان چشم‌پوشی می‌کنیم) چنین استفاده می‌شود که گروگذاری و برد و باخت در غیر موارد بیان شده در شریعت و کتاب سبق و رمایه، حرام است.^۲

به نظر ما نیز این روایات، به ضمیمه یکدیگر می‌تواند دلیل بر حرمت باشد و نمی‌توان از آنها چشم‌پوشی کرد.

صورت دوم:

گونه دیگری از مسابقات، این است که هیچ یک از بازیکنان، عقد و قراردادی ننمایند، اگر چه مقدار پولی را در پایان به عنوان پاداش به دلخواه و رضایت خویش به فرد یا افراد برنده بدهند. روشن است که گرفتن این گونه پاداشها و جوایز، می‌تواند در ذیل عناوینی همچون نذر، عهد، وعد، هدیه و... قرار بگیرد و حلیت آن ثابت گردد؛ چه این که هیچ دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد.

جام ورزشی

صورت مسأله عبارت از این است که در بسیاری از محله‌ها و شهرستانها، مسابقات فوتبال و والیبال بدین‌گونه برگزار می‌شود که فردی به عنوان مسؤل جام، اعلام می‌کند که چنین مسابقه‌هایی را برگزار خواهد کرد. بر اساس شرایط مقرر، تیمهای مختلف در این مسابقه‌ها شرکت می‌کنند و یکی از شرایط شرکت در این مسابقات این است که هر تیم و گروه شرکت کننده باید مقداری وجه نقد که مسؤلین جام تعیین کرده‌اند، بپردازند.

اکنون پرسش اصلی این است که آیا این گونه راهنه و گروگذاری سبب حرمت تکلیفی و وضعی می‌شود یا خیر؟ با توجه به آنچه در زمینه مسابقات ورزشی بیان شد، نحوه عملکرد در این گونه جامها دو گونه است: گاهی مسؤل مسابقات، وجه نقد را دریافت می‌کند و پرداخت‌کنندگان شرط

۱- امام خمینی رحمته‌الله علیه، مکاسب محرمة، مؤسسه اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، پیشین، ج ۱، ص ۳۴۱؛ حر عاملی، پیشین، ج ۲، ص ۶۶۰؛ حسین نوری، پیشین، ج ۲،

ص ۵۱۶؛ صلاح‌الدین الصفدی، الوافی بالوفیات، دار النشر، لبنان، ۱۴۱۱ق، ج ۹، ص ۳۵.

می‌کنند که این پول باید صرف پاداش به برندگان شود و او به اجبار و طبق این شرط باید چنین کاری را انجام دهد. در این صورت حکم روشن است؛ زیرا این مسابقات در زمره آن دسته از مسابقه‌هایی نیست که نص و دلیل ویژه‌ای در شریعت بر جواز آنها رسیده است و از سوی دیگر همراه برد و باخت هم می‌باشد. بنابراین، چنین عملی حرام است.

نوع دوم این است که مسؤول جام، این مبلغ را به عنوان مخارج برگزاری مسابقات می‌گیرد و دیگران نیز این وجوه را به این عنوان پرداخت می‌کنند، اگر چه وی در پایان به برندگان مثلاً اول تا سوم پاداش و جوایزی را اهدا می‌کند ولی شرط و عقدی صورت نگرفته است و چه بسا پولی که با آن جایزه تهیه می‌شود غیر از پولهایی است که تیمهای شرکت کننده پرداخت کرده‌اند. در این فرض دلیلی بر حرمت چنین عملی و برگزاری مسابقات وجود ندارد؛ زیرا افزون بر این که عنوان قمار بر آنها صدق نمی‌کند، بلکه اکل مال به باطل هم نیست؛ چه این که تیمهای شرکت کننده مقدار پول یا مالی را برای برگزاری و مخارج مسابقات، با رضایت در اختیار مسؤولین جام می‌گذارند.

دیدگاه‌های ویژه صاحب جواهر رحمته‌الله

از آنجا که نظر صاحب جواهر، نویسنده بزرگترین دائرة المعارف فقه شیعی (جواهر الکلام) می‌تواند راهگشای گرفتن جوایز در مسابقات مختلف باشد، بررسی و تحقیق در اندیشه وی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

وی در برابر صاحب ریاض و شهید ثانی راه سومی را بر می‌گزیند و به گونه‌ای، گرفتن جایزه را در این مسابقه‌ها، روا می‌داند:

«لکن ینبغی ان یعلم ان التحقیق الحرمة و عدم الصحة اذا ارید ایجاد عقد السبق بذلک از لاریب فی عدم مشروعیتة سواء كان بعوض او بدونه و لو للأصل فضلاً عن النهی فی خیر الحصر. أما فعله لا علی جهة كونه عقد سبق، فالظاهر جوازه، للأصل و السیرة المستمرة علی فعله فی جمیع الأعصار و الامصار من العوام و العلماء... بل لا یبعد جواز اباحتها علی العوض علی ذلك و الوعد به مع استمرار رضاهما به، لا علی أنه عوض شرعی ملتزم.»^۱

یعنی: مقتضای تحقیق این است که این‌گونه مسابقه‌ها، در صورتی که به قصد عقد مسابقه برگزار شود، حرام و نادرست است، چه در آن برد و باخت باشد یا نباشد. به دلیل اصل، تا چه رسد به نهی روایت حصر، اما انجام دادن این‌گونه مسابقه‌ها، نه در قالب عقد مسابقه (بلکه بازی کردن بدون

قرارداد) ظاهراً جایز است. اصل و سیره مستمره مسلمانان در تمام سرزمینها و زمانها، چه در میان عالمان و چه غیر عالمان بر این جواز دلالت می‌نماید.

بلکه (می‌توان فراتر از این را گفت که) بعید نیست جایز بودن انجام چنین مسابقاتی و گرفتن جایزه و عوض در آنها، البته به عنوان وفای به وعده (نه عقد الزام‌آور) در صورتی که رضایت دو طرف بازی بر دادن جایزه، تا آخر بازی دوام داشته باشد، نه به عنوان عوض شرعی که الزام‌آور باشد.

تفاوت مفهوم عقد و وعده

از سخنان پایانی این فقیه ژرف‌نگر می‌توان دریافت که چگونگی قرارداد بین مسابقه دهندگان تأثیر بسزایی در حرمت یا حلیت آن دارد، به گونه‌ای که عقد قرارداد الزامی بین مسابقه دهندگان در مواردی مثل وزنه برداری، کشتی، کاراته و... جایز و روا نیست، ولی اگر بدون عقد و ایجاب و قبول الزام‌آور شرعی، بازنده با آسایش خاطر و خرسندی، بخواهد به برنده به عنوان جایزه چیزی را پرداخت نماید و الزام و اجباری هم وجود نداشته باشد، اشکالی ندارد و این نکته از تفاوت معنای عقد و وعده به دست می‌آید؛ چه این که در عقد نوعی الزام و تعهد شرعی و پایبندی نهفته است، ولی در وعده، چنین الزام و پایبندی شرعی وجود ندارد. برخی لغت‌شناسان تفاوت آن دو را چنین بیان داشته‌اند:

«عهد، اقتضای وفا دارد، در صورتی که «وعده» اقتضای برآوردن و روا کردن حاجت است، گفته

می‌شود که عهد را شکست و وعده را برنیورد و روا نکرد.»^۱

یکی از اندیشمندان، پس از پذیرش اندیشه صاحب جواهر، چنین نوشته است:

«يجوز للسابق أن يأخذ المال من الدافع على سبيل الوعد بحيث يجوز له الوفاء والعدول

عنه، لعدم الدليل على التحريم والأصل الجواز.»^۲

یعنی: برای برنده رواست که مالی را از بازنده، به عنوان وفای به عهد بگیرد، البته وعده به گونه‌ای است که برای بازنده الزامی ایجاد نمی‌کند تا بتواند در صورت نارضایتی چیزی را نپردازد؛ زیرا (دلیل جواز این است که) دلیلی بر حرمت گرفتن چنین جایزه‌ای وجود ندارد و اصل اولی نیز جواز گرفتن آن است.

۱- ابو هلال عسکری، الفروق فی اللغة، ترجمه علوی مقدم، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ص ۱۱۳.

۲- محمد جواد مغنیه، فقه الامام الصادق، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۷۷ م، ج ۴، ص ۲۳۴.

راهی دیگر برای گرفتن جایزه مسابقات

برخی از فقیهان معاصر، راه حل شرعی دیگری برای اجرای مسابقات همراه با جایزه مطرح کرده‌اند که در صورت پذیرش راهگشای بسیاری از مسابقات خواهد بود:

«یصح جعل من کلّیها او احدیها او من ثالث للسابق بعنوان الوقف او النذر او الوصیة او الشرط، مثلاً يجعل وقتاً لمن سبق... او يجعل مثلاً النذر او الوقف او الشرط لمن سبق الأزید و لمن لحق الأقل و حیثذ فاذا تسابقا لایکون بینهما عقد جعالة او اجارة او صلح او مسابقة و انما یأخذ السابق، السبق بعنوان الوقف او النذر...»^۱

یعنی: پرداختن جایزه از سوی یکی از دو طرف بازی یا هر دو یا شخص دیگری، به برنده به عنوان وقف، نذر، وصیت یا شرط، صحیح است؛ به عنوان مثال به کسی که برنده می‌شود جایزه‌ای و یا به فرد برنده بیشتر و به بازنده مقدار کمتری جایزه بدهند که در آغاز هیچ گونه عقد شرعی الزام‌آوری بسته نشده است و برنده تنها از راه وقف یا نذر یا... جایزه را دریافت می‌کند.

نتیجه‌گیری

با ملاحظه آنچه تا کنون مورد پژوهش فقهی قرار گرفته، مسابقه‌ها و بازیهای سرگرمی و تفریحی و یا ورزشی، در غیر از موارد یاد شده در روایت (شتردوانی، اسب سواری و تیراندازی) اگر به گونه‌ای الزام‌آور گروبندي و شرط بندی شود و عقد مسابقه آن لحاظ گردد حرام است، اما اگر چنین قراردادی مطرح نباشد بلکه بازنده به عنوان وفای به عهد و یا نذر و... بدون هیچ اجباری بلکه با خشنودی چنین جایزه‌ای را به برنده بدهد اشکالی نخواهد داشت.

به نظر می‌رسد، بعد از این فراز و نشیب و بیان اندیشه‌های متفاوت فقیهان پیشین و پسین باید گفت: برای مسأله مسابقات ورزشی که امروزه اهداف ویژه‌ای نیز پیدا کرده است و اهدای جوایز از سوی فدراسیونها و نهادهای بین‌المللی و دولتی صورت می‌گیرد، در فقه شیعه راه‌حلهایی را می‌توان جست و بستر فتوا به حلیت وضعی و تکلیفی این گونه مسابقات، در صورت برگزاری صحیح آنها فراهم است.

